روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰ • ۱۴ شوال ۱۴۴۲ • ۲۶ می ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۱۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۱
اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نورنوشت

امتحانات نهایی دوره متوسطه به‌صورت حضوری در هنرستان شریعتی برگزار شد. عکس: بهمن صادقی، پانا

یاد

به یاد اسماعیل خویی که باور داشت شاعر یک پنجره است

مرگ شاعر در غربت

شرق: اسماعیل خویی، شاعر معاصر ایرانی، در ۸۳سالگی پس از ابتلا به ذات‌الریه شدید درگذشت. خویی که از شاعران بحث‌انگیزتر و جنجالی معاصر بود، پس از انقلاب در سال ۱۳۶۳ به لندن رفت و در پی این مهاجرت به زبان‌هایی غیر فارسی نیز شعر سرود و جوایزی بین‌المللی از آن خود کرد؛ شعرهایی که به سیاقِ دیگر شعرهای او از ابتدا تا آخر عمر، مضامین سیاسی-اجتماعی داشتند. او تنها شاعر ایرانی است که در سال ۲۰۱۰ موفق به دریافتِ جایزه «فریدریش روکرت» شد؛ جایزه‌ای که هر دو سال یک‌بار به یکی از چهره‌های ادبی اهدا می‌شود که در حوزه برقراری تفاهم میان شرق و غرب فعالیت کرده‌اند. اسماعیل خویی متولد مشهد در سال ۱۳۱۷، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران آغاز کرد و پس از دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی، برای ادامه تحصیل در رشته فلسفه به بریتانیا رفت، سپس در سال ۱۳۴۴ با دریافت مدرک دکترا به ایران بازگشت و در دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم) به تدریس پرداخت. خویی، پیش از انقلاب از هواداران چریک‌های فدایی خلق بود

با برخی از اعضای برجسته آنها از جمله مسعود احمدزاده و امیرپرویز پویان از نزدیک دوستی و همکاری داشت و تا آخر عمر نیز همچنان خود را یک سوسیالیست می‌دانست. خویی از آن‌دست شاعرانی بود که جز سرودن شعر به اندیشیدن درباره شعر و شاعری و به بیان دیگر، به چیستیِ شعر نیز می‌پرداخت و افکاری خاص در این زمینه داشت. برای نمونه، او در کتابِ «شعر و شاعرانگی» از ذات شعر سخن می‌گوید و شاعرانی که از دید او، ذات شعر در شعرهایشان واقعیت یافته، او معتقد است ذات شعر را نمی‌توان تنها از کار یک شاعر بازشناخت و نمونه‌هایی لازم است که بیشترین گوناگونی ممکن شعرها و اقسام شعر را در خود داشته باشد. درست مانند شعر «یک پنجره‌ست شاعر» از اسماعیل خویی که سرود: «یک پنجره‌ست شاعر/ شاعر کسی‌ست که می‌ترسد/ و سخت می‌ترسد/ و از همین‌روست/ که رو به آفتاب/ می‌نشیند...». از دیگر آثار خویی می‌توان به «بر بام گردباد»، «از صدای سخن عشق»، «جهان دیگری می‌آفرینم»، «ما بودگان» و «بر خنگ راهوار زمین» اشاره کرد. چند سال پیش نیز کتابی با عنوان «به رسم حقیقت و زیبایی» منتشر شد که در آن محمود معتقدیِ شاعر، به زندگی و شعر اسماعیل خویی پرداخته است.

حق‌بان

علنی یا غیرعلنی، مسئله این است

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

یکی از ویژگی‌های دوران مدیریت سیدابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه صدور دستورالعمل و بخش‌نامه‌های متعدد برای عملیاتی‌شدن قوانین عادی و در برخی موارد قانون اساسی است. در بیست‌وهشتم اردیبهشت دستورالعملی با عنوان «دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی» در ۱۰ ماده توسط رئیس قوه قضائیه صادر شد. در صدر دستورالعمل آمده است هدف اجرائی‌کردن مواد قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در زمینه نحوه برگزاری دادگاه‌ها به‌صورت علنی است. مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی‌بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مورد بازنگری قرار گرفت. در ماده ۳۶ آمده است: حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افسادفی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک‌میلیارد ریال درصورتی‌که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. در تبصره همین ماده مقرر شده است: انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم ذیل که میزان مال موضوع جرم ارتکابی، یک‌میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پول‌شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در راستای اجرای اصل ۱۶۵ قانون اساسی، می‌خوانیم: محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل‌گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی‌بودن محاکمه را درخواست نمایند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی‌بودن محاکم را در این موارد صادر می‌کند: امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت و اخلاق حسنه است؛ علنی‌بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد. البته منظور از علنی‌بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. درمورد دادگاه‌های مدنی، ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹) به نحوه حضور افراد در جلسه رسیدگی پرداخته است؛ بر این اساس دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند، با ذکر نحوه اختلال در صورت‌جلسه صادر کند و یا تا ۲۴ ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد.

به دستورالعمل صادره سه اشکال عمده وارد است: اول، این دستورالعمل رأی مجازات انتشار رأی به‌عنوان بخشی از مجازات بزهکاران است، نه انتشار رأی به‌عنوان بخشی از اثر اصل علنی‌بودن دادرسی و صدور رأی قطعی و این موجب می‌شود انتشار رأی به‌عنوان دنباله این اصل، مبهم باقی بماند. دوم، استانی‌کردن نشر رأی در روزنامه و سپس موکول کردن بازنشر آن در رسانه‌ها، مبنای روشنی ندارد. سوم، خروج دستورالعمل از حوزه قوانین دادرسی کیفری و قانون مجازات و پرداختن به همه آرای دادگاه‌ها، دور از انتظار است. همچنین دادن اختیار به قاضی اجرای احکام و قاضی صادرکننده رأی در انتشار این آرا، توجیه‌پذیر نیست.

موضوع دیگر، امکان مراجعه اصحاب دعوی و وکلای دادگستری به محاکم است. اصل ۱۵۰ قانون اساسی، دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات می‌داند. بدیهی است که همه افراد باید بتوانند به این مراجعه به‌خصوص زمانی که پرونده در مرجع قضائی طرح شده و ذی‌سمت هستند، مراجعه کنند. اما در عمل مشاهده می‌شود در ورودی دیوان عالی کشور که بالاترین مرجع قضائی به‌شمار می‌رود، نه‌تنها افراد عادی بلکه وکلای دادگستری نیز حق ورود به شعب و گفت‌وگو به قضات را ندارند و تنها در محل در ورودی در باجه‌هایی که ایجاد شده است، می‌توانند سؤال خود را با واسطه مطرح کنند یا لایحه‌ای را ثبت کنند. متأسفانه در این ایام گسترش ویروس کرونا نیز برخی محاکم از تشکیل جلسه خودداری کرده و تنها لایحه را می‌پذیرند که این امر موجب تضییع حقوق دفاعی اصحاب دعوی می‌شود.

یادبود

باطنی؛ آن‌که اجازه داد غلط بنویسیم

مهدی افشار
پژوهشگر

بخت حضور در نهادی که مجری امور فرهنگی و هنری است، این فرصت را به آدمی می‌دهد که کارنامه فعالیت‌های ادبی- هنری‌اش، هرچند در قلمرو اجرا، سرشار از نام‌هایی شود که یادشان هم ذهن را نوازش می‌دهد و لبخند بر لب می‌نشاند، برای مناسبات زیبایی که با آن چهره‌ها برقرار کرده است و باطنی یکی از آن لبخندآوران ذهن ستایشگر این قلم است. از اوایل دی ماه هر سال به مناسبت برگزاری مراسم باشکوه کتاب سال که اندک‌اندک رنگ باخت و اکنون از آن همه شور و طراوت کمتر نشانی به جای مانده، استادان و صاحب‌نظران هر حوزه‌ای دعوت می‌شدند که پس از گزینش‌های اولیه و ثانویه به گزینش کتاب‌های شایسته‌ای بپردازند که به بررسی نهایی رسیده، قرار بود انتخاب آن صاحب‌نظران، گزینش نهایی باشد و نظر آنان حجت و قول‌شان، قول فصل. و دکتر باطنی برای گزینشی از میان چند عنوان کتاب در موضوع زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی به دفتر پژوهش‌های فرهنگی که مسئولیت آن را به عهده داشتم، دعوت شد و ایشان به اعتبار اینکه در سال‌های پایانی ۴۰، دانشجویش بودم و رابطه استادی و شاگردی برقرار بود، دعوت دانشجوی قدیمی خود را پذیرفت شاید به این اعتبار که من یادآور خاطره شیرین تدریس او در دانشگاه بودم. دکتر باطنی پس از مطالعه عناوین عرضه‌شده، گزینش خود را اعلام داشت، با این پندار که گزینش او در حوزه زبان و ادب فارسی، کتاب سال خواهد شد و مع‌الاسف به دلایلی که به یاد نمی‌آورم، کتاب دیگری برگزیده شد که بحق فریاد او به اعتراض برخاست و مقاله تند و تیزی در نشریه «نشر دانش» در این خصوص نوشت تا حداقل مجریان بدانند فعال مایشا نیستند و رفتار نادرست‌شان تالی فاسد دارد یا دست‌کم فریادی را بر سرشان می‌کشد. قصدم نوشتن درباره کتاب سال نبود، می‌خواستم از باطنی بگویم. از دوره دانشجویی، نگاهش را به زبان و زبان‌شناسی می‌ستودم، نگاهی نو بود، از جمله در کتابی که با عنوان «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» نوشته بود، به روشنی می‌شد این نوآوری را مشاهده کرد. نگاه نو باطنی در برابر نگاه سنتی بزرگمرد دیگری چون ابوالحسن نجفی قرار گرفته بود که همه اندیشه‌اش آن بود هرگونه کژتابی و نادرستی را از زبان و ادب فارسی بزداید و با نگارش کتاب «غلط ننویسم» شوری در میان اهل قلم و ادب برپا کرد که «عجب این همه غلط می‌نوشته‌ایم!» و شاید جسارت نوشتن را از پاره‌ای قلم‌ها بازستاند و آن‌گاه باطنی به یاری آنان شتافت و با چاپ مقاله‌ای در نشریه نشر دانشگاهی با عنوان «اجازه بدهید غلط بنویسیم»، آن جرئت ازدست‌رفته را بازگرداند. این قلم که با این دو همشهری اصفهانی در ارتباط و آشنا بود، به لبخند به این کشمکش می‌نگریست و دودل که کدام نگاه را باید پذیرفت. با تعریفی که باطنی از زبان داشت، حق با باطنی بود و با گنجینه گرانبهایی که ابوالحسن نجفی بر آن تکیه زده بود و بر بنیاد آن فریاد می‌زد، غلط ننویسم، حق با نجفی. طبعا هنوز هم پس از سال‌ها این کشمکش حداقل در ذهن من ادامه دارد و هنوز بر سر این دو راهه ایستاده‌ام به تردید؛ تردید از آن جهت که از یک سوی پشتوانه وزانت و استحکام نثر امروزمان همان گنجینه ادبیات کهن ماست و باید آن را پاس داشت و از دیگر سوی اگر آن نگاه نو به ادب فارسی نباشد، ادبیات ما در بهترین حالت، در همان نثر مسجع خود، باقی می‌ماند؛ گویی دعوای شعر سنتی و نو دگرباره در حوزه نثر از سر گرفته شده بود و یاد نیما و آذرخشی در ذهن من سبزتر می‌شد. گاه می‌پندارم حق با باطنی بود که می‌گفت می‌توان بر هر واژه‌ای بار معنایی تازه‌ای افزود و با این افزودگی، طراوت دیگری به واژه بخشید و واژگان خاموش را زبان‌آور کرد و گاه به سوی این اندیشه یله می‌شوم که اگر قرار باشد هر قلمی به اراده خویش حتی از طریق القای مفهوم متن، معنایی تازه به واژه ببخشد، ادب فارسی چه شلم شوربایی خواهد شد و باز می‌پندارم به لطف همین بار معنابخشی به واژگان است که زبان توسع و گسترش بیشتری یافته است و در نتیجه در فرهنگ‌های‌مان در برابر هر ماده لغت، چندین معنا آورده شده. باطنی فرهنگ انگلیسی به فارسی زیبا و ستایش‌برانگیزی با عنوان فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی تدوین کرد که به راستی از دیدگاه یک دانشجوی سابق کتابداری و کسی که آشنا با شیوه‌های تدوین و تألیف فرهنگ و بالاخص فرهنگ‌های دوزبانه است که اسباب کار هر مترجمی است، به رغم حجم اندکش بسیار کاربرد دارد. اکنون که برای نگارش همین یادداشت کوتاه، کتاب‌های آن دو بزرگوار عروج‌کرده را در پیش روی گذارده‌ام، حضور شیرین و اثرگذارشان را حس می‌کنم و کلام ژان پل سارتر در خاطرم جان می‌گیرد که گفته بود: «ما همان خاطره‌ای هستیم که از خود به جای می‌گذاریم، نیک یا بد».

تخت شماره -۲۶

برگ یک درخت

زهرا مشتاق: ساعت پنج صبح است. بدنم به‌شدت خسته و نزار، اما ذهنم به شکل عجیبی هوشیار است. کلمات، بدن خسته‌ام را بلند می‌کنند. در ذهنم می‌بینمشان. میلیون‌ها کلمه به شکل آدمک‌های روشن، دورخیز می‌کنند و خودشان را می‌کوبند به ذهنم. دست می‌کشم به روی سرم. سرم خیلی بزرگ نیست. پس این دورخیز کلمات چگونه و از کجا می‌آید؟ قرار ندارم. ساعت پنج صبح می‌روم جلوی میز پرستاری. سلام می‌کنم و می‌گویم می‌شود به من «یک برگ یک درخت بدهید». پرستار مرد می‌گوید چه؟ یاد روزنامه صبح امروز و آفتاب امروز می‌افتم. یک روز در تحریریه انقلاب کردم و از همه بچه‌ها خواستم به جای نوشتن در کاغذهای آچار سفید، خبرها و گزارش‌های خود را روی کاغذهایی که قبلا استفاده شده و پشتش سفید است، بنویسند. بعضی غر زدند که مطالب قاطی می‌شود. گفتم پشت نوشته قبلی یک ضربدر بزرگ بکشید که معلوم شود کدام مطلب باید برود تایپ و مراحل دیگر. اسم طرح را گذاشتم یک برگ یک درخت. یعنی برای هر کاغذ، یک درخت قطع می‌شود. و حالا ساعت پنج صبح آمده بودم از پرستارهای پشت میز یک برگ یک درخت می‌خواستم. گفتم من کاغذ می‌خواهم. یکی از خانم‌ها از چاپگر، یک کاغذ آچار درآورد و بی‌حوصله گرفت سمتم. گفتم به من کاغذ باطله بدهید. کاغذهایی که پشتش سفید است. یکی از پرستارهای مرد گفت چیه؟ نکنه نویسنده‌ای که این موقع صبح آمدی دنبال کاغذ. خیلی عادی جواب دادم بله. یک‌دفعه از جایش نیم‌خیز شد. چی می‌نویسی؟ گفتم من روزنامه‌نگارم. خواب از چشمش پرید. کجا می‌نویسی؟ «شرق». ایول، «شرق» می‌نویسی. ایول‌گفتنش درست مثل گیسو فغفوری بود. من کلا روی صفحه تلفنم می‌نویسم. اما چیزهایی هست که گوشه‌ای یادداشت می‌کنم که یادم نرود.

پرنده آبی

سهمیه‌بندی شیرخشک

برای پدر و مادرهای زمان جنگ که اکنون درگیر بزرگ‌کردن فرزندان شیرخوار خود هستند، این خبر زیاد عجیب نیست؛ «سهیمه‌بندی شیرخشک». از روز دوشنبه که هانی تحویل‌زاده، رئیس انجمن تولیدکنندگان شیرخشک نوزاد، به تجارت‌نیوز گفت: «حدود شش ماه است که ارز واردات به تولیدکنندگان شیرخشک تعلق نگرفته و باعث شده است تولید برخی انواع شیرخشک متوقف شود»، بسیاری در شبکه‌های اجتماعی درباره این وضعیت ابراز نگرانی کرده‌اند. او درباره کمبود جدی شیرخشک در بازار هشدار داد و گفت: «میزان ذخایر و موجودی انبار شیرخشک نگران‌کننده است و موجودی فعلی کارخانه‌ها تا دو ماه دیگر بیشتر کفاف نمی‌دهد و به همین دلیل برخی برندها فروش شیرخشک خود را سهمیه‌بندی کرده‌اند». به گفته تحویل‌زاده، رایزنی‌های تولیدکنندگان با سازمان غذا و دارو بی‌نتیجه بوده و برخی مواد اولیه تولیدکنندگان با تعرفه‌های بالای واردات مواجه شده است. برای مثال، تعرفه واردات اسلیم‌میلک‌ها در ردیف تعرفه شیر شتر قرار گرفته است!».

به گفته هانی تحویل‌زاده، وضعیت فعلی انبارهای شیرخشک نگران‌کننده است. به گزارش تجارت‌نیوز، داروخانه‌داران نیز با تأیید گرفتاری‌های تأمین برخی انواع شیرخشک در بازار می‌گویند گاهی شهروندان ناچار هستند برای تأمین شیرخشک مورد نیاز شیرخواران خود از یک نقطه شهر به نقطه‌ای دیگر بروند. این روند به‌دنبال شیرخشک از یک داروخانه به داروخانه دیگر رفتن یا نگرانی از کمبودهای شیرخشک از دغدغه‌های جدی‌ای است که بسیاری از خانواده‌های جوان را به‌زودی درگیر خواهد کرد.

اتفاق

دویچه‌وله: آنگ سان سوچی، رئیس دولت غیرنظامی میانمار که اول فوریه درپی کودتای نظامیان کنار گذاشته شد، برای نخستین‌بار در دادگاه حاضر شد و با وکیل خود نیز برای اولین‌بار ملاقات کرد. او اجازه یافته پیش از شروع دادگاه نیم‌ساعت در اتاقی که برای این منظور در نظر گرفته شده، با موکل خود ملاقات کند.

سی‌ان‌ان: اولین نخست‌وزیر زن در کشور کوچک ساموآ مجبور شد مراسم سوگند شروع کار خود را در یک چادر برگزار کند. سوگند خانم ماتا آفا به‌عنوان نخست‌وزیر جدید و خودداری ولیپا سیله‌له مالیلگائو، نخست‌وزیر قبلی از ترک مقام نخست‌وزیری وضعیت سیاسی نامشخصی را برای این جزیره اقیانوس آرام ایجاد می‌کند.

بی‌بی‌سی: گوردون ساندلند، سفیر پیشین ایالات متحده در اتحادیه اروپا، از وزیر خارجه پیشین آمریکا و دولت این کشور شکایت کرده که برخلاف وعده، هزینه‌های وکیل او را نمی‌پردازند.
ساندلند یکی از شاهدهای اصلی در نخستین پرونده استیضاح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا بود.

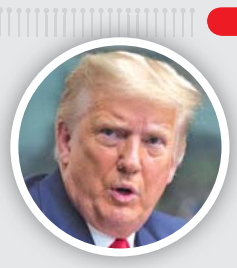

ایندیپندنت: دونالد ترامپ در برنامه رادیویی جدید «دَن بونینو» به موضوع فرازمینی‌ها پرداخت و گفت: «من به آنچه به چشم قابل رؤیت است، معتقدم؛ اما بسیاری از مردم به وجود آنها (بشقاب‌پرنده) اعتقاد دارند. بسیار از من سؤال می‌شود این واقعیت دارد؟ من به آن اعتقادی ندارم، ولی بسیاری دارند».

دویچه‌وله: لرد دابس که زمان اشغال نازی‌ها از پراگ گریخته بود، زندگی خود را برای کمک به کودکان پناه‌جوی بی‌سرپرست در بریتانیا وقف کرده است. کودکان پناه‌جو او را به‌عنوان قهرمان می‌شناسند.
او که خود یک پناه‌جو در بریتانیا بود، حالا با تشکیلاتی به پناه‌جویان کمک می‌کند.

رویترز: صدراعظم آلمان خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط وبلاگ‌نویس منتقد رژیم بلاروس شد.
روز یکشنبه یک هواپیمای مسافربری در مسیر یونان و لیتوانی به اجبار در بلاروس فرود آمد تا «رومان پروتاسویچ»، مسافر این هواپیما و از مخالفان دولت بلاروس بازداشت شود.